

انعکاس سنت نبوی در سبک زندگی رضوی

محمد حسین بهرامی^۱

زینب السادات عربشاهی^۲

چکیده

«سبک زندگی» به معنی شیوه و روش زندگی فرد یا گروه است که دانشمندان غربی آن را نشأت گرفته از سه پایه اساسی «معرفت»، «شرایط» و «انتخاب» می‌دانند.

سبک زندگی از نظر مفهومی با دو اصطلاح «سنت» و «سیره» مترادف است. علی‌رغم فاصله‌ای که در مصادیق و کاربرد اصطلاح سبک زندگی در گفتمان غربی و سنت و سیره در گفتمان اسلامی وجود دارد، پایه‌های سه‌گانه ذکر شده برای شکل‌گیری سبک زندگی، در سنت و سیره نیز قابل مشاهده و پی‌گیری است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی مشهور بین شیعه و اهل سنت، پنج مورد از شیوه زندگی خود را سنت خود نامیده‌اند. بررسی سیره رضوی، حکایت از آن دارد که امام رضا علیه السلام در زندگی خود به صورت مطلق عملکردهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را تکرار نکرده‌اند، بلکه ضمن در نظر گرفتن «معارف» و فضائلی که هدف از «انتخاب‌های» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده و مد نظر قرار دادن «شرایط» زمان خود، به «انتخاب» شیوه زندگی اقدام نموده‌اند. به همین سبب سیره رضوی در برخی از موارد با سیره نبوی منطبق نیست و در مواردی نیز در ظاهر با آن متعارض می‌نماید.

مسلمان معاصر نیز نیازمند تعریف سبک زندگی اسلامی متناسب با زمان حاضر است. برای این کار باید «معارف» نهفته در سنت معصومان علیهم السلام شناسایی و استخراج شود، «شرایط» جهان امروز به

^۱ عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه.

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث.

دقت مورد بررسی قرار گیرد و در ابعاد مختلف زندگی، شیوه‌های مناسب «انتخاب» گردد تا سبک صحیح زندگی اسلامی شکل گیرد.

کلیدواژگان: سنت نبوی، سیره رضوی، سبک زندگی، تواضع.

۱. تعریف سبک زندگی، سنت و سیره

سبک زندگی از اصطلاحاتی است که اخیراً از فرهنگ غربی وارد دایره لغات جامعه ما شده است. این اصطلاح قرابت زیادی با دو اصطلاح سیره و سنت در فرهنگ اسلامی دارد. در ادامه به معرفی اجمالی معنای سبک زندگی، سیره و سنت پرداخته، نسبت این واژگان را با یکدیگر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف. سبک زندگی در گفتمان غربی: سبک زندگی به معنای شیوه‌ای است که فرد یا گروهی بر اساس آن زندگی می‌کنند.^۱ این کلمه را اولین بار، آلفرد آدلر، روان‌شناس اتریشی در سال ۱۹۲۳م به کار برد.

کاربرد مفهوم سبک زندگی مطابق تحولات فرهنگی - اجتماعی تغییر کرده است. تا پیش از جنگ جهانی دوم، مفهوم سبک زندگی چندان اهمیتی نداشت و با این نام از آن یاد نمی‌شد. پس از جنگ جهانی دوم، با گسترش پایه‌های اجتماعی دولت، رفاه و تولید ایجاد شد و در پی آن مصرف انبوه کالاها بویژه کالاهای فرهنگی، سبب گردید که شیوه‌های زندگی تنوع بسیار بالایی بیابند.^۲

گالن والترز، روانشناس تگزاسی در کتاب تئوری‌های سبک زندگی بر این عقیده است که فرضیه سبک زندگی بر پایه سه عامل «شرایط»^۳، «انتخاب»^۴ و «معرفت»^۵ تشکیل شده است که ریشه سبک زندگی را می‌سازند.

۱. oxford advanced learner's dictionary, P. ۶۸۱.

۲. مصطفی ازکیا و سکینه حسینی رودبارکی، «تغییرات نسلی سبک زندگی در جامعه روستایی»، رفاه اجتماعی، ص ۲۴۵.

۳. Condition.

۴. Choice.

۵. Cognition.

«شرایط» که یکی از عوامل شکل‌دهنده فرضیه سبک زندگی است نیز بر سه دسته است: شرایط درونی^۱ (وراثت، استعداد و خلق و خو)، شرایط بیرونی^۲ (خانواده، هم‌سالان و طبقه اجتماعی) و شرایط مشترک^۳ بین درونی و بیرونی که به عکس‌العمل مناسب و دو جانبه شرایط درونی و بیرونی گفته می‌شود. هرچند این «شرایط» در کم و زیاد شدن شانس افراد در بروز دادن رفتار مختلف تأثیر دارد، اما تعیین‌کننده افعال آنها نیست.

«انتخاب» نیز فرآیند تصمیم‌گیری است که به واسطه «شرایط» و برخورد پیچیده افراد در مقابل آن، منجر به گزینش رفتار خاصی می‌شود.

بعد از «انتخاب» یک گزینه، «معرفت» شکل می‌گیرد؛ عامل سومی که انتخاب ما را در سبک زندگی حمایت و توجیه خواهد کرد. نکته مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که هرچند این سه عامل بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند، ولی تأثیر معرفت‌ها بر شرایط و انتخاب‌ها، بسیار بیشتر از تأثیر شرایط بر دو عامل دیگر است.^۴

ب. سنت و سیره در گفتمان اسلامی: لغت‌های سنت و سیره در زبان عربی معنایی شبیه به یکدیگر دارند و در بسیاری از موارد در تعریف هر یک از این دو واژه از واژه دیگر استفاده شده است.^۵

ابن فارس در معجم مقاییس اللغة، اصل ریشه «سنن» را «جریان و شیوع چیزی به سهولت و سادگی» دانسته و در تعریف سنت آورده است: «و مما اشتق منه السنّة و هی السّیرة. و سنّة رسول الله صلی الله علیه و آله سیرته.»؛ و از مشتقات آن، واژه سنت است که به معنای سیره است و سنّت رسول الله صلی الله علیه و آله همان سیره اوست.^۶

۱. Internal.

۲. External.

۳. Synergistic.

۴. Glenn D. Walters' Lifestyle Theory: Past, Present and Future, p. ۴.

۵. جوهری، الصحاح، ج ۵، ص ۲۱۳۹ و اسماعیل بن عباد (صاحب بن عباد)، المحيط فی اللغة، ج ۸، ص ۳۷۶.

۶. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۶۱.

وی هم‌چنین ریشه «سیر» را دال بر معنای اصلی «گذشتن و جریان» دانسته و در تعریف سیره آورده است: «و السَّيْرَةُ: الطَّرِيقَةُ فِي الشَّيْءِ وَ السُّنَّةُ، لِأَنَّهَا تَسِيرٌ وَ تَجْرِي.»؛ سیره: شیوهٔ یک چیز و سنت را گویند، چون سیر می‌کند و جریان دارد.^۱

بررسی سایر کتاب‌های لغوی زبان عربی نیز حکایت از آن دارد که تعاریف ارائه شده از سنت و سیره، با اندکی تسامح، همه بر شیوه و طریقهٔ کاری یا چیزی دلالت می‌کند.^۲

سنت در اصطلاح حدیث‌پژوهان، بر قول، فعل و تقریر معصوم دلالت می‌کند.^۳ فقها نیز در مباحث اصولی و فقهی خود ضمن استفاده از اصطلاح سنت در همین معنا، آن را به عنوان یکی از مصادر و منابع اصلی کشف احکام دین به شمار آورده‌اند. آقا ضیاء عراقی در کتاب اجتهاد و تقلید در معرفی سنت آورده است: اما سنت شریف، امر و نهی‌های پیامبر اعظم و اهل بیت معصوم ایشان است، چرا که سخنانی که بر زبان رانده‌اند و کارهایی که به عنوان واجب و مستحب به جای آورده‌اند، دلالت بر وجوب یا استحباب آن کار دارد، البته مادامی که از احکام اختصاصی ایشان نباشد؛ مثل نوافل شب که وجوب آن از احکام اختصاصی پیامبر صلی الله علیه و آله است. هم‌چنین است تقریر ایشان نسبت به کاری که اصحاب در محضر شریف ایشان به جای می‌آورند.^۴

تاریخ‌دانان مسلمان نیز سیره را به معنای بررسی تاریخ حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانسته‌اند. سیرهٔ ابن هشام یکی از برجسته‌ترین آثار تاریخی اسلامی است که به سیرهٔ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرداخته است. هرچند ابن هشام در ابتدای کتاب خود تعریف روشنی از سیره ارائه ننموده، ولی بررسی محتوای کتاب وی نشان از آن دارد که در دیدگاه وی، سیره بیان احوال و افعال آن حضرت است، از بیان نسب و آباء و اجداد تا بیان افعال و جنگ‌ها و بسیاری از احوال روزمرهٔ ایشان.

^۱ همان، ج ۳، ص ۱۲۱.

^۲ ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۳۹۰؛ همان، ج ۱۳، ص ۲۲۵؛ فخر الدین بن محمد طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۶۰ و همان، ج ۶، ص ۲۶۸.

^۳ محمد عجاج خطیب، السنة قبل التدوین، ص ۱۶.

^۴ ضیاء الدین عراقی، الاجتهاد و التقليد، ص ۴۶.

ابن فارس در مقدمه معجم مقاییس اللغة، کتاب‌هایی را که درباره سیره نبی اکرم صلی الله علیه و آله نوشته شده را نام می‌برد که این اسامی به خوبی نشان‌گر تلقی وی از اصطلاح سیره است. اسامی کتابها به این شرح است: «خلاصه‌ای از سیره‌ی رسول اکرم»، «خلاصه‌ای از نسب، میلاد، رشد و بعثت نبی صلی الله علیه و آله»، «اخلاق نبی». ابن فارس در ادامه به موضوع کتاب‌های سیره می‌پردازد و می‌گوید:

موضوع این کتاب‌ها، چگونگی زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله است و شناخت نسب و میلاد و بعثت و احوال جنگ‌های ایشان و هم‌چنین اسم‌های فرزندان، همسران و خویشان ایشان بر هر مسلمانی واجب است.^۱

علی‌رغم تلقی ابن فارس و سایر سیره‌نویسان از اصطلاح سیره، شهید مطهری در کتاب سیری در سیره نبوی مفهوم متفاوتی از سیره ارائه نموده است. ایشان از تلقی رایج با عنوان «سیر» نام می‌برد و سیره را نوعی «سبک‌شناسی» می‌داند.

«سیر» یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن. «سیره» یعنی نوع راه رفتن. سیره بر وزن فَعْلَة است و فَعْلَة در زبان عربی دلالت بر نوع می‌کند؛ مثلاً جَلْسَة یعنی نشستن و جِلْسَة یعنی سبک و نوع نشستن و این نکته دقیقی است. سیر یعنی رفتن، رفتار، ولی سیره یعنی نوع و سبک رفتار. آنچه مهم است شناختن سبک رفتار پیغمبر است. آنها که سیره نوشته‌اند، رفتار پیغمبر را نوشته‌اند. این کتاب‌هایی که ما به نام «سیره» داریم سیر است نه سیره؛ مثلاً سیره حلبیه سیر است نه سیره. اسمش سیره هست ولی واقعش سیر است. رفتار پیغمبر نوشته شده است نه سبک پیغمبر در رفتار، نه اسلوب رفتار پیغمبر، نه متد پیغمبر.^۲

ج. بررسی تطبیقی دو اصطلاح: بر اساس آنچه گذشت، می‌توان نتیجه گرفت سنت و سیره در زبان عربی مترادف با اصطلاح نوپدید «سبک زندگی» است و بر طریقه و شیوه زندگی و عملکرد فرد یا گروه اطلاق می‌شود.

فارغ از تعریف شهید مطهری رحمة الله، این دو واژه در اصطلاح بر گزارش سخنان و رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان اطلاق می‌شود و نباید آن را دارای تفاوت جدی با معنی لغوی دانست.

^۱ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ص ۳۱.

^۲ مرتضی مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۶، ص ۵۰.

گزارش سخن و رفتار موردی معصومان علیهم السلام از آن جهت سیره و سنت نامیده می‌شود که بر اساس روایات^۱ و در دیدگاه متکلمان مسلمان، رفتار آن بزرگواران مبتنی بر اصولی است که مانع از رفتار چندگانه، ارتکاب گناهان و ترک واجبات توسط ایشان می‌شود؛^۲ به تعبیر دیگر با مشاهده هر مورد از رفتار آنان می‌توان به شیوه رفتارشان پی برد.

تحلیلی که والترز از پایه‌های سبک زندگی ارائه نموده را نیز می‌توان در مفهوم سنت و سیره، تحلیل و مشاهده نمود. در حقیقت رفتار معصومان علیهم السلام مبتنی بر «معرفتی» است که متناسب با «شرایط» و موارد خاص، به «انتخاب» شیوه و روش خاصی منجر می‌شود که به عنوان سیره یا سنت آن معصوم شناخته می‌شود. نکته قابل ذکر آن است که در این جا مقصود از معرفت، صرفاً مسائل مربوط به باورها نیست، بلکه شامل تمام گزاره‌های اعتقادی، اخلاقی و احکام می‌شود.

علی رغم شباهت‌های ذکر شده که می‌تواند مفهوم سبک زندگی در گفتمان غربی و مفهوم سنت و سیره در گفتمان اسلامی را مترادف و هم‌سان نشان دهد، توجه به این نکته لازم است که در این میان تفاوت‌هایی در تعریف و مصادیق طریقه زندگی و پایه‌های آن در دو فرهنگ غربی و اسلامی وجود دارد که توجه به آنها در فراهم نمودن زمینه مقایسه این دو مفهوم، ضروری است. معرفت در گفتمان غربی ساخته ذهن انسان است که با انتخاب، تعاملی دو سویه دارد، هرچند تأثیرگذاری آن بر انتخاب انسانی بیش از تأثیرپذیری آن است. ولی در گفتمان اسلامی، معرفت برگرفته از آموزه‌های وحیانی و در قالب اعتقادات، اخلاق و احکام است.

^۱ عن عبد الله بن عمرو، قال: كنت أكتب كل شيء أسمع من رسول الله صلى الله عليه وآله وأريد حفظه فنهتني قريش وقالوا: تكتب كل شيء تسمعه من رسول الله صلى الله عليه وآله ورسول الله صلى الله عليه وآله بشر يتكلم في الرضاء والغضب؟ قال: فأمسكت فذكرت ذلك لرسول الله صلى الله عليه وآله ، فقال: «اكتب، فوالذي نفسي بيده ما خرج منه إلا حق» و أشار بيده إلى فيه. (حاكم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، حدیث ۳۲۷).

^۲ مفید، تصحیح اعتقادات الإمامیه، ص ۱۲۸.

بر اساس این گفتمان، می‌بایست انتخاب‌های انسان متأثر از آن باشد و تحت تأثیر افکار و امیال او دست‌خوش تحوّل نگردد. خروج از این مسیر باعث ترک سنت و درافتادن در دام بدعت می‌شود.^۱

تفاوت گفتمان غربی و دینی موجب تفاوت‌های قابل توجهی در مصادیق سبک زندگی غربی و سنت و سیره دینی نیز شده است. در گفتمان غربی اغلب مصادیق سبک زندگی به موضوعات کاملاً سطحی و روبنایی از قبیل خوراک، پوشاک، مرکب، آرایش، خواب، و موضوعات دیگری از این دست معطوف است، در حالی که در منابع دینی، گفتار و رفتاری که مصداق احکام دینی یا مرتبط با موضوعات برجسته اجتماعی و سیاسی است، بیشتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته و موضوعات روزمره غالباً به صورت حاشیه‌ای مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

۲. سنت نبوی در روایتی از آن حضرت

اکنون با توجه به آنچه گذشت، روایتی را بیان می‌کنم که در آن سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از زبان خود آن حضرت مورد اشاره قرار گرفته است. سپس بر اساس پایه‌های ذکر شده برای سبک زندگی، به تحلیل و بررسی آن می‌پردازیم.

شیخ صدوق در کتاب علل الشرایع، در روایتی که از طریق امام رضا علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده، آورده است:

عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «خَمْسٌ لَا أَدْعُهُنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ: الْأَكْلُ عَلَى الْحَضِيضِ مَعَ الْعَبِيدِ وَرُكُوبِي الْحِمَارَ مُؤَكَّفًا وَحَلْبِي الْعَنْزَ بِيَدِي وَلُبْسُ الصُّوفِ وَالتَّسْلِيمُ عَلَى الصَّبْيَانِ لِيَكُونَ ذَلِكَ سُنَّةً مِنْ

۱ عَنْ زُرَّارَةَ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ، فَقَالَ: «حَلَالٌ مُحَمَّدٌ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَحَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، لَا يَكُونُ غَيْرُهُ وَلَا يَجِيءُ غَيْرُهُ.» وَ قَالَ: «قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَحَدٌ ابْتَدَعَ بِدْعَةً إِلَّا تَرَكَ بِهَا سُنَّةً.» الكافي، ج ۱، ص ۵۸، ح ۱۹.

بَعْدِي»؛^۱ پنج چیز را تا زمان مرگ ترک نخواهم کرد: غذا خوردن با بندگان بر روی زمین، سوار شدن بر الاغ بی پالان، دوشیدن بز با دست خودم، پوشیدن لباس پشمی و سلام کردن بر کودکان تا پس از من سنت گردند.

الف. نقل‌های مختلف و اسناد روایت: این روایت در سایر کتاب‌های شیخ صدوق نیز به همین صورت یا با اندکی تفاوت نقل شده است؛^۲ به عنوان نمونه در یکی از نقل‌های کتاب خصال، به جای دوشیدن بز، وصله کردن کفش با دست خود، ذکر شده است.^۳ روایت علل الشرائع توسط عباس بن هلال از امام رضا علیه السلام نقل شده است. مشابه مضمون روایت علل الشرائع، در کتاب امالی شیخ صدوق، توسط ابن قیس از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است. هم‌چنین در روایت مشابه دیگری در کتاب خصال، این فرموده نبوی به نقل از حسین بن مصعب از امام صادق علیه السلام روایت شده است. بررسی این اسناد و توجه به تفاوت روایان و ائمه صادرکننده روایات، حکایت از آن دارد که علی‌رغم شباهت فراوان لفظی و محتوایی، این روایات متحد نبوده و به صورت متعدد و در دفعات مختلف از ائمه علیهم السلام صادر شده‌اند.^۴ مشابه مضمون این روایت، در مصادر اهل سنت نیز با تفاوت‌هایی در عبارات نقل شده است؛ به عنوان نمونه در معجم کبیر طبرانی آمده است:

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ كِبْرٍ.» قالوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! هَلَكْنَا وَكَيْفَ لَنَا أَنْ نَعْلَمَ مَا فِي قُلُوبِنَا مِنْ ذَلِكَ الْكِبْرِ وَآيْنَ هُوَ؟ فقال النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ لَبَسَ الصُّوفَ أَوْ حَلَبَ الشَّاةَ أَوْ أَكَلَ مَعَ مَا مَلَكَتْ يَمِينُهُ فَلَيْسَ فِي قَلْبِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ الْكِبْرُ؛^۵

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که در قلبش ذره‌ای از تکبر باشد، وارد بهشت نخواهد شد.» اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا! هلاک شدیم. تکبر در کجاست و ما چگونه از وجود تکبر در

^۱ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۳۰.

^۲ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۸۱؛ همو، خصال، ص ۲۷۱ و همو، امالی، ص ۷۱.

^۳ همو، خصال، ج ۱، ص ۲۷۲.

^۴ برای آشنایی با روایات متحد و مشابه ر.ک: به محمد علی مهدوی راد و محمد حسین بهرامی، «اتحاد یا تعدد در روایات مشابه: بررسی تطبیقی عملکرد کتاب‌های وسائل الشیعه و جامع الشیعه»، حدیث پژوهی، شماره ۴.

^۵ ابوالقاسم طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۷، ص ۱۵۳.

قلب‌های مان آگاه شویم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که پشم بپوشد یا گوسفند بدوشد یا با برده‌اش غذا بخورد، پس به خواست خدا در قلبش تکبری نیست.»

بررسی اسناد مختلف فوق و اشتراک شیعه و اهل سنت در نقل این روایت، حکایت از آن دارد که روایت، مستفیض و مضمون آن از سده‌های نخستین بین شیعه و اهل سنت مشهور بوده است.

ب. محتوای حدیث: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این روایت برخی از رفتارهای خود در مسائلی از قبیل آداب معاشرت، مرکب، پوشاک و انجام کارهای شخصی را به عنوان سنت خود معرفی نموده‌اند و هدف از این معرفی را الگو دادن به افراد در آینده ذکر کرده‌اند.

کنار هم قرار گرفتن این موارد که در ظاهر دارای موضوعات متعددی است، به طور طبیعی نیازمند حلقه وصل و رابطه معینی است. به نظر می‌رسد نقطه مشترک بین این موارد، دوری از تکبر و دلالت بر تواضع است؛ به تعبیر دیگر باید سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را تواضع دانست که در رفتارهایی از قبیل نشستن بر روی زمین با بندگان، سوار شدن بر مرکبی ارزان قیمت و بدون تجملات، مباشرت در انجام کارهای ساده‌ای از قبیل دوشیدن شیر حیوانات، پوشیدن لباس پشمین و سلام کردن به کودکان تجلی می‌یابد. این موضوع در تعابیر نقل شده از اهل سنت به صراحت بیان شده است.

این روایت نمونه مناسبی برای سبک زندگی بر اساس تعریف برگرفته از منابع غربی است. سبک زندگی معرفی شده در این روایت، مبتنی بر معرفت و باوری به نام فضیلت اخلاقی تواضع است که در برخی نقل‌ها به صراحت بیان شده و در پاره‌ای دیگر به وضوح قابل فهم است. باور به ضرورت دوری از تکبر و آراسته شدن به صفت تواضع در «شرایط» فرهنگی آن زمان منجر به «انتخاب» رفتارهای خاصی شده است که منحصر به پنج نمونه ذکر شده در این روایت نیست.

۳. مقایسه سبک زندگی رضوی و سنت نبوی

همان گونه که گذشت روایتی که مجموعه‌ای از رفتارهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به عنوان سنت ایشان معرفی نموده، بین شیعه و اهل سنت، مشترک و مستفیض است. هم چنین گذشت که یکی از نقل‌کنندگان این روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام رضا علیه السلام می‌باشد، به همین جهت انتظار می‌رود این روایت در سیره امام رضا علیه السلام نیز انعکاس روشنی داشته باشد. در ادامه به بررسی

برخی از روایاتی که در این زمینه از امام رضا علیه السلام نقل شده، و رابطه آن با روایت نبوی فوق می‌پردازیم.

الف. تطابق سبک زندگی رضوی و سبک زندگی نبوی: پاره‌ای از روایات نقل شده از امام رضا علیه السلام، صحنه‌هایی از حیات آن امام را به تصویر کشیده‌اند که امام علیه السلام دقیقاً همان رفتاری را در پیش گرفته‌اند که جد بزرگوارشان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پیش گرفته بودند؛ به عنوان نمونه می‌توان به روایات هم سفره شدن امام علیه السلام با بندگان و فرودستان خود اشاره نمود.

علی ابن ابراهیم در روایتی از یاسر خادم آورده است:

كَانَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا كَانَ خَلَا جَمَعَ حَشْمَهُ كُلَّهُمْ عِنْدَهُ الصَّغِيرَ وَ الْكَبِيرَ فَيَحْدِثُهُمْ وَيَأْنُسُ بِهِمْ وَيُؤْنِسُهُمْ وَ كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا جَلَسَ عَلَى الْمَائِدَةِ لَا يَدْعُ صَغِيرًا وَ لَا كَبِيرًا حَتَّى السَّائِسَ وَ الْحَجَّامَ إِلَّا أَقْعَدَهُ مَعَهُ عَلَى مَائِدَتِهِ^۱؛

هنگامی که امام رضا علیه السلام به خلوت می‌رفت، همهٔ خادمان خویش را از کوچک و بزرگ نزد خود جمع و با ایشان گفتگو می‌کرد، به ایشان ملاطفت می‌نمود و با آنها انس می‌گرفت و هنگامی که بر سفره می‌نشست، هیچ کوچک و بزرگی را از قلم نمی‌انداخت، مگر این که او را در کنار خود و بر سفره‌اش می‌نشاند، حتی مهتران و حجامت‌کنندگان را.

مشابه همین مفهوم را ابن شهر آشوب از ابراهیم بن عباس نقل کرده است:

كَانَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا جَلَسَ عَلَى مَائِدَتِهِ أَجْلَسَ عَلَيْهَا مَمَالِكَهُ حَتَّى السَّائِسَ وَ الْبَوَّابَ^۲؛

هرگاه امام رضا علیه السلام بر سفره‌اش می‌نشست، بندگان خود را نیز بر آن مینشاند، حتی مهتر و دربان را.

در این دو روایت غذا خوردن با بندگان و فرودستان که از جانب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان سنت معرفی شده، با تفصیل در سیره امام رضا علیه السلام گزارش شده است؛ به تعبیر دیگر همان‌گونه که

^۱ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۵۹.

^۲ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۶۱.

انتظار می‌رود امام رضا علیه السلام برای رعایت و اجرای سنت نبوی، همان رفتاری را از خود بروز داده که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گزارش شده بود.

ب. تفاوت سبک زندگی رضوی با سبک زندگی نبوی: بر خلاف موارد فوق، برخی از گزارش‌های نقل شده از سبک زندگی امام رضا علیه السلام متفاوت از سبک زندگی نقل شده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بلکه در ظاهر مغایر با آن است. در ادامه ضمن اشاره به نمونه‌هایی از این موارد، به بررسی اجمالی صحت انتساب این موارد و پس از آن نحوه تحلیل و تأویل این روایات خواهیم پرداخت.

اولین نمونه از این موارد، روایاتی است که به نوع لباس و پوشش امام علیه السلام اشاره دارد. در روایات مختلفی نقل شده که آن حضرت، لباس فاخر و از جمله خز می‌پوشیده؛ به عنوان نمونه شیخ طوسی در امالی در روایتی آورده است:

أَخْبَرَنَا أَبُو الْفَتْحِ هَلَالُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَقَّارِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عَلِيٍّ الدَّعْبَلِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ بُدَيْلِ بْنِ رَزِينِ بْنِ عُثْمَانَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زَيْدِ بْنِ وَرْقَاءَ، أَخُو دَعْبِلِ بْنِ عَلِيٍّ الْخَزَاعِيِّ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) بِبَغْدَادَ سَنَةَ اثْنَتَيْنِ وَ سَبْعِينَ وَ مِائَتَيْنِ، قَالَ: ... وَ رَحَلْنَا إِلَى سَيْدِي أَنَا وَ أَخِي دَعْبِلٌ، فَأَقَمْنَا عِنْدَهُ إِلَى آخِرِ سَنَةِ مِائَتَيْنِ، وَ خَرَجْنَا إِلَى قُمْ بَعْدَ أَنْ خَلَعَ سَيْدِي أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيَّ أَخِي دَعْبِلٌ قَمِيصاً خَزّاً أَخْضَرَ وَ حَاتِماً فَصَّهُ عَقِيقٌ، وَ دَفَعَ إِلَيْهِ دَرَاهِمَ رَضْوِيَّةً، وَ قَالَ لَهُ: «يَا دَعْبِلُ! صِرْ إِلَيَّ قُمْ فَإِنَّكَ تُفِيدُ بِهَا.» فَقَالَ لَهُ: «اِحْتَفِظْ بِهَذَا الْقَمِيصِ، فَقَدْ صَلَّيْتُ فِيهِ أَلْفَ لَيْلَةٍ أَلْفَ رَكْعَةٍ، وَ خَتَمْتُ فِيهِ الْقُرْآنَ أَلْفَ خَتْمَةً»^۱؛

برادر دعبل خزاعی نقل کرده است: با برادرم دعبل، نزد مولایم [امام رضا علیه السلام] رفتیم و تا پایان سال دویست نزد آن حضرت ماندیم. سپس به سمت قم رفتیم، پس از آن که مولایم امام رضا علیه السلام به برادرم دعبل، خلعتی داد؛ پیراهنی از خز سبز و انگشتی با نگین عقیق و درهم‌هایی که به نام امام رضا علیه السلام

^۱ شیخ طوسی، امالی، ص ۳۵۹.

ضرب شده بود. امام به دعبل فرمود: «ای دعبل! به سوی قم برو که از آن بهره خواهی برد.» و به او فرمود: «مراقب این پیراهن باش که در آن هزار شب هزار رکعت نماز خوانده‌ام و در آن هزار ختم قرآن کرده‌ام.»

شاید در نگاه اول بتوان با تردید در اصل روایت، صحّت آن را زیر سؤال برد و وجود تفاوت در سبک زندگی این دو معصوم را نپذیرفت، ولی روایات متعدّد دیگری که اشاره به نوع لباس آراسته و حتی خز برای امام رضا علیه السلام دارد، حاکی از آن است که نفی صحّت روایت، مسیر مناسبی برای فهم سیره امام رضا علیه السلام و حلّ تعارض این روایت با سبک زندگی نبوی نیست؛ به عنوان نمونه در روایتی در عیون اخبار الرضا به نقل از ابی عباد آمده است:

كَانَ جُلُوسَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّيْفِ عَلَى حَصِيرٍ وَ فِي الشِّتَاءِ عَلَى مِسْحٍ وَ لُبْسُهُ الْغَلِيظَ مِنَ الثِّيَابِ حَتَّى إِذَا بَرَزَ لِلنَّاسِ تَزَيَّنَ لَهُمْ؛^۱

امام رضا علیه السلام در تابستان بر حصیر و در زمستان بر پلاس بافته از مو می‌نشست. پوشش ایشان لباس‌های خشن بود تا هنگامی که در میان مردم ظاهر می‌شد، [که] برای ایشان آراسته می‌شد. نوع لباس امام رضا علیه السلام در زمان خود آن حضرت نیز از نظر برخی مفهوم نبوده و مورد اعتراض قرار گرفته است؛ به عنوان نمونه در روایتی، اعتراض برخی از صوفیه بدین‌سان نقل شده است:

وَ رَوَى أَنَّ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَبَسَ الْخَزَّ فَوْقَ الصُّوفِ، فَقَالَ لَهُ بَعْضُ جَهْلَةِ الصُّوفِيَّةِ لَمَّا رَأَى عَلَيْهِ ثِيَابَ الْخَزِّ: كَيْفَ تَزْعُمُ أَنَّكَ مِنَ أَهْلِ الزُّهْدِ وَ أَنْتَ عَلَى مَا تَرَاهُ مِنَ التَّنَعُّمِ بِلِبَاسِ الْخَزِّ؟ فَكَشَفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَمَّا تَحْتَهُ فَرَأَوْا تَحْتَهُ ثِيَابَ الصُّوفِ، فَقَالَ: «هَذَا لِلَّهِ وَ هَذَا لِلنَّاسِ.»^۲

نقل شده که امام رضا علیه السلام بر روی لباس پشمین، لباس خز پوشید. برخی از جاهلان صوفیه با دیدن لباس خز به ایشان عرض کردند: چگونه گمان می‌کنی که از اهل زهدی در حالی که می‌بینیم متنعم به لباس خز هستی؟ حضرت از لباس زیرین خود پرده برداشت، پس دیدند که زیر [لباس خز] لباسی پشمین است. حضرت فرمود: «این برای خدا است و این برای مردم.»

^۱ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۸۷.

^۲ ابن ابی جمهور، عوالی اللثالی، ج ۲، ص ۲۹، ح ۷۱.

این نوع اعتراض به نقل از سفیان ثوری هم آمده است. ابن شهر آشوب آورده است:

وَلَقِيَهُ سُفْيَانُ الثَّوْرِي فِي ثَوْبٍ خَزٍّ، فَقَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! لَوْ لَبَسْتَ ثَوْبًا أَذْنَى مِنْ هَذَا. فَقَالَ: «هَاتِ يَدَكَ.»
فَأَخَذَ يَدَهُ وَادْخَلَ كَمَّهُ، فَإِذَا تَحْتَ ذَلِكَ مِسْحٌ، فَقَالَ: «يَا سُفْيَانُ! الْخَزُّ لِلْخَلْقِ وَالْمِسْحُ لِلْحَقِّ»؛^١

سفیان ثوری آن حضرت را در لباس خز مشاهده نمود، پس عرض کرد: ای کاش لباس ساده‌تری می‌پوشیدی. حضرت فرمود: «دستت را بیاور» و دست او را گرفته، در آستینش، برد پس زیر آن لباسی از مو بود. حضرت فرمود: «ای سفیان! لباس خز برای مردم است و لباس مویین برای خداوند.»

البته با توجه به تولد امام رضا علیه السلام در سال ۱۴۸ق^۲ و وفات سفیان ثوری در سال ۱۶۱ق^۳، این اتفاق باید حداکثر در سیزده سالگی امام علیه السلام به وقوع پیوسته باشد که بسیار بعید است. به نظر می‌رسد نقل دیگر روایت که حکایت از اعتراض سفیان ثوری به امام صادق علیه السلام دارد، صحیح‌تر است. در این روایت، اعتراض سفیان مستند به رفتار و سبک زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام شده، و آمده است:

عَلَى بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِي رَفَعَهُ قَالَ: مَرَّ سُفْيَانُ الثَّوْرِي فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَرَأَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلَيْهِ ثِيَابٌ كَثِيرَةٌ الْقِيَمَةِ حَسَانًا، فَقَالَ: وَاللَّهِ لَا تَيْنَهُ وَلَا أُوبُخْتَهُ. فَدَنَا مِنْهُ، فَقَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! مَا لَبَسَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله مِثْلَ هَذَا اللَّبَاسِ وَ لَا عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَا أَحَدٌ مِنْ آبَائِكَ. فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فِي زَمَانٍ قَتَرَ مُقْتَرٍ وَ كَانَ يَأْخُذُ لِقْتَرِهِ وَ اقْتِدَارِهِ وَ إِنَّ الدُّنْيَا بَعْدَ ذَلِكَ أَرْحَتْ عَزَالِيهَا فَأَحَقُّ أَهْلِهَا بِهَا أُبْرَارُهَا.» ثُمَّ تَلَا: «(قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ)»^٤ وَ نَحْنُ أَحَقُّ مَنْ أَخَذَ مِنْهَا مَا أَعْطَاهُ اللَّهُ، غَيْرَ أَنِّي يَا ثَوْرِي مَا تَرَى عَلَى مِنْ ثَوْبٍ إِلَّا أَلْبَسَهُ لِلنَّاسِ.» ثُمَّ اجْتَذَبَ يَدَ سُفْيَانَ فَجَرَّهَا إِلَيْهِ ثُمَّ رَفَعَ الثَّوْبَ الْأَعْلَى وَ أَخْرَجَ ثَوْبًا تَحْتَ ذَلِكَ عَلَى جِلْدِهِ غَلِيظًا، فَقَالَ: «هَذَا الْبَسُّ لِنَفْسِي وَ مَا رَأَيْتُهُ لِلنَّاسِ.» ثُمَّ جَذَبَ ثَوْبًا عَلَى

١ المناقب لابن شهر آشوب، ج ٣، ص ٤٧٠.

٢ ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ٤، ص ١٠١.

٣ همان.

٤ اعراف، آیه ٣٢.

سُفِيَانٌ أَعْلَاهُ غَلِيظٌ خَشِنٌ وَ دَاخِلٌ ذَلِكَ ثَوْبٌ لَيْنٌ، فَقَالَ: «لَبِستَ هَذَا الْأَعْلَى لِلنَّاسِ وَ لَبِستَ هَذَا لِنَفْسِكَ تَسْرُهًا.»^۱

سفیان ثوری در مسجد الحرام در حرکت بود که امام صادق علیه السلام را در حالی دید که لباسی قیمتی و زیبا بر تن داشت. گفت: به خدا نزد او می‌روم و سرزنشش می‌کنم. به آن حضرت نزدیک شد و عرض کرد: یابن رسول الله! نه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مانند این لباس را پوشیده است و نه علی علیه السلام و نه هیچ یک از پدران. حضرت فرمود: <HA> «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در زمانه‌ای سخت و همراه با تنگ دستی بود و متناسب با سختی و شرایط آن زمان رفتار می‌کرد، در حالی که دنیا پس از آن زمان نعمت‌های خود را گسترده است. پس شایسته‌ترین اهل دنیا به این نعمت‌ها، نیکان هستند. سپس حضرت این آیه

را تلاوت فرمود: «[ای پیامبر!] بگو: چه کسی زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده، و روزی‌های پاکیزه را حرام گردانیده؟» </HA> [و فرمود:] «و ما شایسته‌ترین کسی هستیم که نعمت‌هایی را که خداوند عطا فرموده، از دنیا برمی‌گیریم. البته لباسی که در بر من می‌بینی برای مردم می‌پوشم.» سپس دست سفیان را گرفته، به سمت خود کشید. لباس رویین خویش را کنار زد و لباس خشنی را که زیر آن قرار داشت خارج کرد و فرمود: «این را برای خودم می‌پوشم و آنچه دیدی را برای مردم.» سپس لباس سفیان را کنار زد که رویین آن سفت و خشن بود و زیر آن لباسی نرم بود. آن‌گاه فرمود: «این لباس رویین را برای مردم پوشیده‌ای و این را برای خود، در حالی که آن را مخفی کرده‌ای.»

برای فهم دلیل «انتخاب» سبک متفاوتی از پوشش توسط امام رضا علیه السلام و امام صادق علیه السلام، بهتر است بار دیگر به بررسی عناصر بنیادین و شکل‌دهنده سبک زندگی بپردازیم.

گذشت که سبک زندگی بر سه پایه بنیادین «معرفت»، «شرایط» و «انتخاب» شکل گرفته است. بر اساس استظهار از موارد ذکر شده در روایت و هم چنین تصریح برخی از روایات، «معرفت» و باوری که منجر به رفتارهای مذکور در روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شده بود، فضیلت اخلاقی تواضع و دوری از تکبر بود. اگرچه «معرفت» تأثیرگذارترین عامل در «انتخاب» یک سبک زندگی بود، ولی بررسی مجموعه

۱ کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۴۲.

روایات نقل شده از شیوه زندگی امام رضا علیه السلام حکایت از آن دارد که ایشان همواره به صفت تواضع متصف بوده و دلیل تغییر در سبک پوشش آن حضرت را باید در جای دیگری جستجو کرد.

عامل دومی که می‌تواند باعث «انتخاب» سبک زندگی متفاوتی از جانب امام رضا علیه السلام شده باشد، «شرایط» است. توجه به روایات فوق نیز تأییدکننده همین مطلب است. شرایط اقتصادی و اجتماعی زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با شرایط موجود در زمان امام رضا علیه السلام و برخی از ائمه معصوم دیگر، تفاوت جدی پیدا کرده و موجب شده بود رفتار یک سان در این دو جامعه، معنای متفاوتی بدهد و یا با تغییر شرایط، زمینه ابراز رفتارهایی متناسب با سایر معارف و باورهای دینی فراهم آید.

امام صادق علیه السلام در روایت پیشین به این دو مطلب اشاره می‌فرماید: از سویی تفاوت زمانه و فراهم شدن امکانات برای مردم را دلیل انتخاب لباس آراسته و فاخر اعلام می‌کند و از سوی دیگر دلیل آراستگی را معرفت و باور دیگری تحت عنوان «لزوم بهره‌مندی مؤمنان از نعمت‌های الهی» می‌داند که آن هم برگرفته از آموزه‌های وحیانی است.

مشابه این مضامین در نقل دیگری از گفتگوی امام رضا علیه السلام با برخی از صوفیه در این رابطه در مصادر مختلفی از جمله شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید^۱ و نزهة الناظر منعکس شده است. حلوانی از علمای قرن پنجم در کتاب نزهة الناظر آورده است:

قَالَ [علی بن موسی الرضا علیه السلام] لِلصُّوفِيَّةِ لَمَّا قَالُوا [لَهُ]: إِنَّ الْمَأْمُونَ قَدْ رَدَّ هَذَا [الْأَمْرَ] إِلَيْكَ وَ أَنْتَ أَحَقُّ النَّاسِ بِهِ، إِلَّا [أَنَّهُ] يَحْتَاجُ مَنْ يَتَقَدَّمُ مِثْلَ تَقَدُّمِكَ إِلَى لُبْسِ الصُّوفِ وَ مَا يَخْشُنُ لُبْسَهُ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «وَيَحْكُمُ إِنَّمَا يَرَادُ مِنَ الْإِمَامِ قِسْطُهُ وَ عَدْلُهُ، إِذَا قَالَ صَدَقَ، وَ إِذَا حَكَمَ عَدَلَ، وَ إِذَا وَعَدَ أَنْجَزَ (قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ)»^۲ إِنَّ يَوْسُفَ الصِّدِّيقَ لَبَسَ الدِّيْبَاجَ الْمَسْجُوجَ بِالذَّهَبِ وَ جَلَسَ عَلَى مُتَّكَاتٍ [آلٍ] فِرْعَوْنَ.»^۳

^۱ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۳۴.

^۲ اعراف، آیه ۳۲.

^۳ حسین بن محمد بن حسن بن نصر حلوانی، نزهة الناظر، ص ۱۲۹.

صوفیه به امام رضا علیه السلام عرض کردند: مأمون امر [حکومت] را به شما بازگردانده است و شما شایسته‌ترین مردم برای آن هستید، جز این که کسی که چون شما مقدم می‌شود، نیازمند پوشیدن پشم و لباس‌های خشن است. حضرت در پاسخ فرمود: «وای بر شما! همانا از امام قسط و عدل خواسته می‌شود، وقتی سخن گفت راست بگوید و هنگامی که حکم کرد به عدالت حکم کند و هنگامی که وعده داد عمل کند. [خداوند می‌فرماید: "[ای پیامبر!] بگو: چه کسی زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و روزی‌های پاکیزه را حرام گردانیده؟" همانا یوسف پیامبر جامه‌های پرنیان و زربافت می‌پوشید و بر پستی‌های پادشاهان می‌نشست.]]»

به نظر می‌رسد بخشی از کلام امام رضا علیه السلام و امام صادق علیه السلام تعریض به افرادی دارد که از سبک ظاهری زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیروی می‌کنند و خود را در علم، زهد و تقوا و یا حکومت و ریاست تابع آن حضرت می‌دانند، ولی در واقع از ویژگی‌های اصلی یک عالم زاهد و متقی یا حاکم عادل، تهی هستند. مطلبی که در این پاسخ‌ها نهفته است آن است که سبک زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبتنی بر «معارف» و فضیلت‌هایی است که متناسب با «شرایط» زمان آن حضرت منجر به «انتخاب» سبک خاصی از زندگی شده است. برای پیروی از آن حضرت، لازم است به جای تبعیت خشک و بی‌روح از سبک زندگی ایشان، با اتکاء به «معارف» و فضایی که از منبع وحی سرچشمه گرفته و ضمن سنجش و درک درست «شرایط» زمان حاضر، دست به «انتخاب» سبک مناسبی زد که الزاماً با سبک زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکسان نیست.

ج. نمونه‌های جدیدی در سبک زندگی رضوی

در بررسی سایر موارد نقل شده از حیات امام رضا علیه السلام، به مواردی بر می‌خوریم که جزء موارد ذکر شده در روایت نبوی به عنوان سنت آن حضرت نیست، ولی بر اساس همان اصل اعتقادی و متناسب با شرایط جدید، به عنوان نمونه‌ای از سبک زندگی رضوی مطرح شده و در مواردی نیز امام رضا علیه السلام به اتخاذ آن از سنت نبوی اشاره کرده است.

یکی از نمونه‌های برجسته این موارد، داستان اقامه نماز عید سعید فطر توسط آن حضرت به اصرار مأمون است. در کتاب کافی به نقل از علی بن ابراهیم به نقل از یاسر خادم آمده است:

کردم.» سپس عصایی فلزی به دست گرفته و خارج شد، درحالی که ما در برابر او بودیم و او پابرنه بود و لباسش را تا نیمه ساق بالا زده بود و بر روی آن

لباس دیگری بود. هنگامی که به راه افتاد و ما در برابر او به راه افتادیم، سرش را به سوی آسمان بلند کرد و چهار بار تکبیر گفت، چنان که گمان کردیم آسمان و دیوارها پاسخ او را می دهند. در همین حال امیران لشکر و مردم بر در خانه آماده بودند. سلاح پوشیده و به بهترین زینت آراسته بودند. ما بدین سان در برابرشان ظاهر شدیم و حضرت بیرون آمدند. لحظه ای در مقابل در درنگ نمود و سپس فرمود: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا هَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ مَا أَوْلَانَا.» با صدای بلند شروع به تکرار کردیم. با دیدن امام علیه السلام، مرو از گریه و ناله و مویه به لرزه درآمد. امیران لشکر از مرکبها به زیر افتادند و کفشهایشان را به کناری افکندند، چراکه ابوالحسن علیه السلام را پابرنه مشاهده کردند که قدم بر می داشت و هر ده قدم می ایستاد و سه بار تکبیر می گفت. ما گمان کردیم که آسمان و زمین و کوهها پاسخ می دهند و مرو از گریه و ناله یک پارچه فریاد شد.

البته در ادامه داستان، مأمون از ماجرا با خبر شد و با مشورت فضل بن سهل، خود را به محل نماز رساند و نماز را شروع کرد. امام نیز از میانه راه به خانه بازگشت.

در این روایت، امام رضا علیه السلام با مأمون شرط می کند که در صورتی در نماز حاضر می شود که بر اساس شیوه و روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام عمل نماید. پوشیدن لباس بسیار ساده و حرکت به صورت پابرنه به سوی محل نماز، در احادیث نقل شده از آن بزرگواران وجود ندارد. ولی چه بسا مقصود امام رضا علیه السلام تمسک به فضیلت اخلاقی تواضع است که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برخی از رفتارها تجلی کرده و در زمان امام رضا علیه السلام به شکلی دیگر و در مواردی متفاوت بروز نموده است.

نمونه دیگری از سبک زندگی امام رضا علیه السلام که بیانگر تواضع آن حضرت در برخورد با مردم است، روایتی است که در آن امام علیه السلام خود به تشریح نحوه برخوردشان با مردم مدینه پرداخته است. در این روایت به نقل از امام رضا علیه السلام آمده است:

عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... فَقُلْتُ لَهُ [الْمَأْمُون] ... لَقَدْ كُنْتُ بِالْمَدِينَةِ أَتَرَدُّ فِي طُرُقِهَا عَلَى دَابَّتِي وَإِنَّ أَهْلَهَا وَغَيْرَهُمْ يَسْأَلُونِي الْحَوَائِجَ فَأَقْضِيهَا لَهُمْ فَيَصِيرُونَ كَالْأَعْمَامِ لِي وَإِنَّ كُتُبِي لِنَافِذَةٌ فِي الْأَمْصَارِ...^۱

... در ایامی که در مدینه بودم بر مرکب خود در کوچه‌های شهر تردد میکردم. اهل مدینه و دیگران حوائج‌شان را از من می‌خواستند و من برای‌شان اجابت می‌کردم. پس برای من همانند خویشانم میشدند و نامه‌هایم در بلاد مختلف نافذ بود...

نمونه سوم، گزارش برخورد امام علیه السلام با شخصی است که در حمام آن حضرت را شناخت و از ایشان کمک خواست. ابن شهر آشوب آورده است:

وَدَخَلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحَمَّامَ، فَقَالَ لَهُ: بَعْضُ النَّاسِ دَلَّكُنِي يَا رَجُلًا. فَجَعَلَ يَدُلُّكَهُ فَعَرَفُوهُ فَجَعَلَ الرَّجُلُ يَسْتَعْذِرُ مِنْهُ وَهُوَ يَطِيبُ قَلْبَهُ وَيَدُلُّكَهُ؛^۲

روزی حضرت رضا علیه السلام وارد حمام شد. مردی از آن جناب درخواست کرد بدن او را دست بکشد. حضرت رضا علیه السلام درخواست او را اجابت فرمود. در این هنگام حضرت را به آن مرد معرفی کردند و او پس از این که امام علیه السلام را شناخت شروع به عذرخواهی کرد، لکن امام رضا علیه السلام با سخنان خود دل او را آرام کرد و هم‌چنان بدن او را دست می‌کشید.^۳

این نمونه نیز حکایت گر بخشی از سبک زندگی امام رضا علیه السلام است. هرچند مشابه آن از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل نشده و نمی‌توان آن را به عنوان سبک زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شمار آورد، ولی برگرفته از فضیلت اخلاقی تواضع است که از آن با عنوان «معرفت» یاد کردیم. این فضیلت در «شرایط» زمان امام رضا علیه السلام، مقتضی «انتخاب» این نوع از عکس‌العمل در برابر خواست آن شخص است.

^۱ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۶۶.

^۲ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۶۲.

^۳ عزیز الله عطاردی، اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام، ص ۷۰.

سنت نبوی، الگو و سرمشق اهل بیت علیهم السلام از جمله امام رضا علیه السلام بوده است. الگو قرار دادن این سنت که نمونه‌هایی از آن در روایت صریحی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تبیین مصادیق سنت آن حضرت گذشت، به معنای تکرار این مصادیق نیست، بلکه باید «معارفی» را که هدف مصادیق ذکر شده، دستیابی به آنها بوده شناسایی نمود و متناسب با «شرایط»، شیوه‌هایی را در زندگی «انتخاب» کرد که ما را در دستیابی به آن «معارف» یاری رساند.

بررسی سیره امام رضا علیه السلام و مقایسه آن با مصادیق سنت نبوی، حکایت از آن دارد که سه دسته از عملکردها در سیره آن حضرت قابل مشاهده است: دسته اول مصادیقی است که عیناً تکرار شده. در این دسته، دست‌رسی به «معارف» مقصود در سنت نبوی که همان فضیلت تواضع بود، در «شرایط» زمان امام رضا علیه السلام نیز در قالب «انتخاب» همان روش قابل دستیابی است.

دسته دوم مصادیقی است که متفاوت و به تعبیری متعارض با مصادیق ذکر شده در سنت نبوی است. در این مصادیق، «شرایط» زمانه موجب شده است که اتخاذ عملکردهای پیشین، نتایج سابق را در بر نداشته باشد. در این قبیل موارد، امام علیه السلام برای جلوگیری از گرفتن نتیجه عکس و یا برای دستیابی به «معارف» و فضائلی دیگر، شیوه و سبک متفاوتی را در عملکرد خود «انتخاب» نموده است.

دسته سوم نیز مصادیقی است که شاید شرایط وقوع آن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله وجود نداشته است، ولی امام رضا علیه السلام متناسب با شرایط و اوضاع جدید و برای رسیدن به همان «معرفت» و فضیلت اخلاقی تواضع، دست به «انتخاب» شیوه‌ای جدید زده است.

امروزه و در دنیای غرب، مفهوم سبک زندگی به مفهومی مهم و تاثیرگذار تبدیل شده و افراد و گروه‌های مختلفی برای تعریف و ترویج سبک‌های زندگی دل‌خواه خود، در حال تلاش‌اند. هیمنه فرهنگ غرب موجب شده جوامع اسلامی نیز منفعلانه، تحت تأثیر سبک‌های زندگی وارداتی از فرهنگ غربی قرار گیرند و در بهترین حالت، در مقابل برخی از نمونه‌های ناهنجار آن مقاومت‌هایی را شکل دهند.

مواجهه فعال با این جریان، نیازمند تعریف سبک زندگی اسلامی متناسب با «شرایط» این زمان و مناسب برای فرهنگ‌های جوامع مختلف اسلامی است. برای تعریف سبک‌های زندگی اسلامی باید سیره و سنت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام و «معارف» آشکار و نهفته در آنها به خوبی مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد، «شرایط» عمومی حاکم بر جهان و «شرایط» خاص حاکم بر جوامع مختلف مد نظر قرار گیرد و در نهایت پاسخ سؤالات مطرح در سبک زندگی، «انتخاب» و ارائه گردد. بدین سان جوامع اسلامی قادر خواهند بود از «انتخاب» مسیرهای ارتجاعی که مبتنی بر تقلید محض از سنت‌های پیشین است و یا پرداختن شعاری به ارزش‌های اسلامی بدون ارائه راه‌کاری متناسب با دنیای امروز، پیش‌گیری کنند و ضمن تعریف سبک‌های زندگی جدید مورد نیاز مسلمانان هر منطقه، متناسب با تغییر «شرایط»، اقدام به بهبود این سبک‌ها نمایند.

بیان این مطالب به معنای آن نیست که اسلام‌شناسان برجسته از این امر غافل بوده و نسبت به تعریف سبک جدید زندگی هیچ اقدامی ننموده‌اند. در بررسی احوال بسیاری از قلّه‌های اخلاق، نمونه‌های متفاوتی از سبک‌های زندگی مبتنی بر فضیلت تواضع قابل مشاهده است که متناسب با شرایط امروز انتخاب و اجرا شده است.^۱ ولی به نظر می‌رسد همان‌گونه که در سؤالات مطرح شده در بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط با سبک زندگی ایرانی - اسلامی^۲ مشهود است، تا تعریف نظامی جامع از سبک زندگی اسلامی که پاسخ‌گوی تمامی جوانب زندگی امروز باشد، فاصله زیادی در پیش داریم.

منابع

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، مكتبة آية الله المرعشي النجفی، قم، ۱۴۰۴.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، دارسیدالشهداء للنشر، قم، ۱۴۰۵.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، علامه، قم، ۱۳۷۹.

^۱ ر ک: «خاطراتی از شهرت‌گریزی و تواضع امام خمینی»، مبلغان، شماره ۱۳۴، ص ۵۰؛ علی ویسی، «تواضع او عامل جذب جوانان بود»، یاران، شماره ۹۲، ص ۵۵ و سید محمد باقر مهری، «شهید حکیم به قلّه اخلاق، پرهیزگاری و تواضع شهرت داشت»، شاهد یاران، شماره ۴۱، ص ۷۱.

^۲ سید علی خامنه‌ای، «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی (۱۳۹۱/۷/۲۳)»، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای.

- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاييس اللغة، مكتب الاعلام الاسلامي، قم، بی تا.
- ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، دار صادر، بيروت، بی تا.
- ازکیا، مصطفی و سکینه حسینی رودبارکی، «تغییرات نسلی سبک زندگی در جامعه روستایی»، رفاه اجتماعی، شماره ۱، ۱۳۸۹.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، دار العلم للملایین، بیروت، بی تا.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۱.
- حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، مدرسه الامام المهدي، قم، ۱۴۰۸.
- خامنه‌ای، سید علی، «سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان خراسان شمالی (۱۳۹۱/۷/۲۳)»، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای، www.Khamenei.ir
- صاحب بن عباد (اسماعیل بن عباد)، المحيط فی اللغة، عالم الکتب، بیروت، بی تا.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الامالی، کتابچی، تهران، ۱۳۷۶.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الخصال، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، علل الشرائع، کتاب فروشی دآوری، قم، ۱۳۸۵.
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸.
- طبرانی، سلیمان بن احمد بن ایوب ابوالقاسم، المعجم الکبیر، مکتبه الزهراء، موصل، ۱۴۰۴.
- طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵.
- طوسی، محمد بن الحسن، الامالی، دار الثقافه، قم، ۱۴۱۴.
- عجاج خطیب، محمد، السنة قبل التدوین، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۱.

- عراقی، ضیاء الدین، الاجتهاد و التقليد، نوید اسلام، قم، ۱۳۸۸.
- العسقلانی، احمد بن علی بن حجر ابوالفضل، تهذیب التهذیب، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۴.
- عطاردی، عزیز الله، اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام، کتابخانه صدر، تهران، ۱۳۹۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، صدرا، تهران، بی تا.
- مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، تصحیح اعتقادات الإمامیة، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، قم، ۱۴۱۳.
- مهدوی راد، محمد علی و محمد حسین بهرامی، «اتحاد یا تعدد در روایات مشابه: بررسی تطبیقی عملکرد کتاب‌های وسائل الشیعه و جامع الشیعه»، حدیث پژوهی، شماره ۴، ۱۳۸۹.
- مهری، سید محمد باقر، «شهید حکیم به قله اخلاق، پرهیزگاری و تواضع شهرت داشت»، شاهد یاران، شماره ۴۱، ۱۳۸۸.
- ویسی، علی، «تواضع او عامل جذب جوانان بود»، یاران، شماره ۹۲، ۱۳۸۹.
- _Walters, Glenn D, Lifestyle Theory: Past, Present and Future, Nova science publishers, ۲۰۰۶.
- _ oxford advanced learner's dictionary, 'Oxford pub, ۱۹۹۸.
- Adler, Alfred, Understanding Human Natur, ۱۹۹۲.